


Thematic Analysis of Adolescents' Experiences of Identity Conflicts Between Family Culture and social media


Mohammad Reza Karimi¹

 0009-0000-8417-1621

Seyed Alireza Tahvildari (Ph.D.)²

 0009-0000-3954-1582

Mahdi Vejdani Hemmat (Ph.D.)³

 0000-0002-3273-328X

Abstract

The present study aimed to explore adolescents' lived experiences of identity conflict arising between family culture and social media environments. Given the prominent role of social media in shaping the identity of the new generation, this research sought to illuminate the dimensions of this conflict. The study employed a qualitative design using thematic analysis. The research population consisted of adolescents aged 13 to 18 in the city of Qazvin, who were selected through purposive and convenience sampling. These adolescents had continuous engagement with social media platforms such as Instagram, YouTube, TikTok, and others. Data were collected through semi-structured interviews with 15 adolescents, and following Braun and Clarke's (2006) six-phase approach to coding and analysis, basic, organizing, and global themes were identified. The findings revealed that experiences of identity conflict could be categorized into four overarching themes: (1) communicational-structural erosion of the family amid the widening gap between family norms and social media culture, (2) normative-value conflicts influencing adolescents' lifestyle, (3) redefinition of self-identity shaped by mechanisms of social comparison, and (4) social media as an emotional and identity-related refuge. The results indicate that adolescents increasingly substitute familial interactions with social media to fulfill emotional and identity-related needs, which contributes to weakened family communication and the emergence of normative tensions. Moreover, the pervasive mechanisms of social comparison embedded in social media lead to continuous reconfiguration of personal identity, intensifying adolescents' sense of identity instability. These insights may inform educational interventions, support programs aimed at reducing intergenerational gaps, and initiatives designed to foster positive identity development among adolescents.

Keywords: Adolescents, identity conflict, family culture, social networks.

1- Masters degree in Family Counseling, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. (Corresponding Author) counseling.karimi@gmail.com

2- Masters degree in Family Counseling, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. sattt6739@gmail.com

3- Assistant Professor, Counseling Department, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. mehdivejdani20@gmail.com

تحلیل مضمون تجارب نوجوانان از تعارض‌های هویتی میان فرهنگ خانواده و شبکه‌های اجتماعی

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۱۹

محمد رضا کریمی^۱

سیدعلیرضا تحویل‌داری^۲

مهدی وجدانی همت^۳

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی تجربه زیسته نوجوانان از تعارض هویتی میان فرهنگ خانواده و شبکه‌های اجتماعی انجام شد. با توجه به نقش پررنگ شبکه‌های اجتماعی در شکل‌گیری هویت نسل جدید، این مطالعه ابعاد این تعارض را آشکار ساخت. روش پژوهش کیفی و مبتنی بر تحلیل مضمون بود. جامعه پژوهش شامل نوجوانان ۱۳ تا ۱۸ ساله شهر قزوین بود که با روش هدفمند و در دسترس انتخاب شدند. این نوجوانان حضور مستمری در شبکه‌های اجتماعی چون اینستاگرام، یوتیوب، تیک‌تاک و... داشتند. داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با ۱۵ نوجوان گردآوری و پس از کدگذاری با رویکرد شش‌مرحله‌ای براون و کلارک (۲۰۰۶)، مضامین فرعی، اصلی و هسته‌ای استخراج شد. یافته‌ها نشان داد تجربه تعارض هویتی در چهار مضمون اصلی قابل تحلیل است: «استحاله ارتباطی-ساختاری خانواده در سایه شکاف بین خانواده و شبکه‌های اجتماعی»، «تعارضات هنجاری-ارزشی تأثیرگذار در سبک زندگی»، «بازتعریف مفهوم هویت ناشی از سازوکار مقایسه» و «شبکه‌های اجتماعی به مثابه پناهگاه عاطفی و هویتی». نتایج بیانگر آن است که نوجوانان برای پاسخ به نیازهای عاطفی و هویتی خود، شبکه‌های اجتماعی را جایگزین تعاملات خانوادگی می‌کنند و این امر به تضعیف ارتباطات خانوادگی و بروز تعارضات هنجاری منجر می‌شود. همچنین، سازوکار مقایسه اجتماعی در شبکه‌ها سبب بازتعریف مداوم هویت فردی شده و احساس ناپایداری هویتی را تشدید می‌کند. این یافته‌ها می‌تواند در برنامه‌های تربیتی، طراحی برنامه‌های حمایتی برای کاهش شکاف نسلی و تقویت هویت مثبت نوجوانان مورد استفاده قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها

نوجوانان، تعارض هویتی، فرهنگ خانواده، شبکه‌های اجتماعی.

۱- کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
counseling.karimi@gmail.com (نویسنده مسئول)

۲- کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
sattt6739@gmail.com

۳- استادیار گروه مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
mehdivejdani20@gmail.com

مقدمه

در دو دهه اخیر، شبکه‌های اجتماعی به یکی از پرنفوذترین نیروهای فرهنگی و اجتماعی در زندگی نوجوانان بدل شده‌اند؛ فضایی که نه صرفاً وسیله‌ای برای ارتباط و سرگرمی بلکه بستری برای بازنمایی خویشتن و آزمودن نقش‌های هویتی تازه است. گسترش اینترنت پرسرعت، دسترسی ارزان‌قیمت به تلفن‌های هوشمند و حضور فراگیر سکوها^۷ برخط^۸ چون اینستاگرام، یوتیوب و تیک‌تاک، مرزهای خانه، مدرسه و جامعه محلی را از میان برداشته و جهان نوجوانان را در معرض سیلی بی‌پایان از تصاویر، ارزش‌ها و روایت‌های فرهنگی متنوع قرار داده است. در چنین بافتی، هویت دیگر محصول انتقال یک‌سویه خانواده یا مدرسه نیست بلکه برآیند برهم‌کنش مستمر میان میدان‌های سنتی جامعه‌پذیری و فرهنگ جهانی‌شده‌ای است که شبکه‌های اجتماعی نمایندگی می‌کنند (Pérez-Torres, 2024). این دگرگونی کلان اجتماعی موجب شده است که نسل جدید در مسیر هویت‌یابی خود نه‌تنها با پرسش دیرینه «من کیستم؟» روبه‌رو باشد بلکه ناگزیر شود میان «آنچه خانواده می‌خواهد» و «آنچه شبکه‌های اجتماعی تجویز می‌کنند» دست به انتخاب یا ترکیب بزند. در سال‌های اخیر مفهوم هویت دیجیتال^۸ به‌عنوان یکی از اجزای نوظهور رشد نوجوان در ادبیات علمی تثبیت شده است. هویت دیجیتال به مجموعه ادراک‌ها، باورها، سبک‌های خودارائه‌گری و بازنمایی‌های برخط فرد گفته می‌شود که در تعامل با ساختارهای سکویی، الگوریتم‌ها و بازخوردهای مخاطبان شکل می‌گیرد (Soh et al., 2024). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که هویت دیجیتال نه صرفاً امتداد هویت اجتماعی یا خانوادگی بلکه ساحتی مستقل است که امکان آزمون نقش‌ها، تجربه عاملیت و خلق نسخه‌های بدیل از «خود» را فراهم می‌کند (West et al., 2024). در این فضا، نوجوانان با فرایندهایی همچون مقایسه اجتماعی، الگوبرداری از چهره‌های تأثیرگذار، و دریافت بازخوردهای فوری روبه‌رو هستند؛ فرایندهایی که می‌توانند به تقویت یا تضعیف وضوح هویتی بینجامند (Meier & Johnson, 2022). بدین ترتیب، هویت دیجیتال در کنار هویت خانوادگی و فرهنگی، به یکی از مهم‌ترین میدان‌های معناسازی نوجوان تبدیل شده است؛ میدانی که گاه در ادامه و هم‌راستا با ارزش‌های خانواده عمل می‌کند و گاه در تعارض با آن قرار می‌گیرد. درست

7. platform

8. Digital identity

در همین نقطه است که مسئله «تعارض هویتی»^۹ برجسته می‌شود؛ تعارضی که نه به‌عنوان یک مفهوم انتزاعی بلکه به‌عنوان تجربه‌ای عینی در زندگی نوجوانان شکل می‌گیرد و آن‌ها را میان دو منبع ارزش‌گذاری متفاوت سرگردان می‌سازد (Pérez-Torres, 2024).

تعارض هویتی در نوجوانی زمانی شکل می‌گیرد که فرد در مسیر پاسخ به پرسش بنیادین «من کیستم؟» میان کاوش ارزش‌ها و نقش‌های تازه و پایبندی به چهارچوب‌های تثبیت‌شده دچار تنش می‌شود؛ این فرایند بخشی طبیعی از رشد نوجوان است؛ اما هنگامی که فشارهای متناقض فرهنگی در زندگی روزمره وارد می‌شوند، این تنش می‌تواند از سطحی سازنده به منبعی برای سردرگمی و آشفتگی تبدیل شود (Marcia, 1966). یکی از اصلی‌ترین منابع چنین فشارهایی، فرهنگ خانواده است که با انتقال ارزش‌ها، هنجارها و انتظارات نسل‌های پیشین، مرجعیت قدرتمندی برای معنابخشی به زندگی نوجوان باقی مانده است (Haydon, et al., 2023). خانواده، به‌ویژه در جوامع جمع‌گرا مانند ایران، همچنان بر وفاداری، همبستگی و رعایت هنجارهای سنتی تأکید دارد و از این رهگذر سعی می‌کند مسیر هویت‌یابی فرزندان را هدایت کند (Fallahi et al., 2022; Alizade et al., 2024). درمقابل، شبکه‌های اجتماعی با منطق متفاوتی عمل می‌کنند. این فضاها نوجوان را در معرض بازنمایی‌های بی‌پایان از سبک‌های زندگی متنوع، ارزش‌های فردگرایانه و معیارهای جهانی‌شده قرار می‌دهند. در چنین محیطی، فرد نه‌تنها امکان آزمایش هویت‌های بدیل و ابراز خود را می‌یابد بلکه به‌طور مداوم با مقایسه‌های اجتماعی، الگوبرداری از چهره‌های تأثیرگذار و بازخوردهای فوری مخاطبان مواجه است. این تجربه دوگانه از یک‌سو فرصت کاوش و خودآزمایی را فراهم می‌آورد؛ اما از سوی دیگر می‌تواند با برجسته‌سازی معیارهای بیرونی و تقویت حس ناکافی بودن، ثبات هویتی را تضعیف کند (Avcı et al., 2025; Pérez-Torres, 2024). درنتیجه، هویت‌یابی نوجوان امروز محصول یک منبع واحد نیست بلکه حاصل مذاکره‌ای مداوم میان دو میدان قدرتمند و گاه متعارض است: خانواده که با ارزش‌های سنتی و جمعی خود چهارچوب‌های پایدار را حفظ می‌کند، و شبکه‌های اجتماعی که با منطق جهانی و فردگرایانه‌شان مرزهای تازه‌ای از «خود» را پیشنهاد می‌دهند. این کشمکش نه صرفاً به‌معنای اختلاف دیدگاه بلکه تجربه‌ای زیسته است که می‌تواند در زندگی روزمره نوجوان به شکل تعارض‌های عاطفی، انتخاب‌های هنجاری و حتی الگوهای ارتباطی

با والدین بازتاب پیدا کند.

مطالعات اخیر نیز نشان می‌دهد که شبکه‌های اجتماعی در سال‌های اخیر به بخشی جدایی‌ناپذیر از فرایند هویت‌یابی نوجوانان تبدیل شده‌اند. شواهد نشان می‌دهد که کیفیت حضور در این فضا - از اصالت در بازنمایی خود تا نوع مقایسه‌های اجتماعی - بسیار بیش از میزان زمانی که نوجوانان صرف می‌کنند بر مسیرهای هویتی آن‌ها اثر می‌گذارد و می‌تواند به وضوح یا آشفتگی هویتی منجر شود (Hjetland et al., 2022). این روند با دیدگاهی همسوسست که شبکه‌های اجتماعی را «آینه اجتماعی دیجیتال»^{۱۰} توصیف می‌کند؛ فضایی که در آن خودارائه‌گری، مقایسه اجتماعی و الگوبرداری از نقش‌ها، مسیرهای اکتشاف و تعهد هویتی را جهت‌دهی می‌کنند (Pérez-Torres, 2024). وقتی این چهارچوب نظری به بسترهای عینی‌تر وارد می‌شود، نمونه‌های روشن‌تری به دست می‌آید؛ برای مثال، استفاده شدید از ویدئوهای کوتاه در سکویهای برخط مانند تیک‌تاک با کاهش وضوح خودپنداره در نوجوانان همراه بوده است (Wang & Wang, 2024). همچنین، مقایسه‌های مداوم در این فضاها، به‌ویژه در حوزه ظاهر بدنی، رضایت از تصویر بدن را کاهش داده و شکاف میان «خود واقعی» و «خود مطلوب» را تقویت کرده است (Dorčić et al., 2023). این یافته‌ها نشان می‌دهند که سازوکارهای شبکه‌های اجتماعی نه تنها تجربه فردی نوجوانان از خود را تحت‌تأثیر قرار می‌دهند بلکه نوعی منطق فرهنگی تازه تولید می‌کنند که با ارزش‌های سنتی خانواده در تعامل یا تعارض قرار می‌گیرد. ابعاد فرهنگی این تعامل نیز در پژوهش‌های میان‌فرهنگی برجسته شده است. مقایسه جوامع مختلف نشان داده است که ارزش‌های فردگرایانه و جمع‌گرایانه شدت و جهت اثرگذاری شبکه‌های اجتماعی را تعدیل می‌کنند (Keles-Gordesli et al., 2024). به بیان دیگر، نوجوانان در بسترهای جمع‌گرا تجربه‌ای متفاوت از تعارض یا هم‌افزایی هویتی دارند نسبت به نوجوانانی که در فرهنگ‌های فردگرا رشد می‌کنند. این یافته نشان می‌دهد که فرهنگ خانواده همچنان نقش مهمی در تعیین چهارچوب معنایی نوجوان ایفا می‌کند و در کنار سکویهای برخط، مرجع اصلی تجربه هویتی باقی می‌ماند. از سوی دیگر، نقش مستقیم خانواده و شیوه‌های والدگری دیجیتال نیز در تحقیقات اخیر مورد توجه قرار گرفته است. مرورهای مفهومی نشان داده‌اند که بخش عمده مداخلات والدین بر محدودسازی زمانی یا محتوایی متمرکز است، درحالی‌که

10. Digital Social Mirror

چنین رویکردهای سخت‌گیرانه نه تنها اثربخش نبوده‌اند بلکه گاه با افزایش استفاده آسیب‌زا نیز همراه شده‌اند (Modecki et al., 2022; Hernández et al., 2024). درمقابل، الگوهای گفت‌وگو محور و میانجی‌گری مشارکتی، زمینه استفاده سالم‌تر و کاهش پیامدهای منفی را فراهم آورده‌اند (Chen et al., 2025). یافته‌های کیفی به‌ویژه در جوامع درحال‌گذار مانند ایران نشان داده‌اند که نوجوانان شبکه‌های اجتماعی را همزمان منبعی برای استقلال‌طلبی و ابزاری برای تجربه‌ عملیت می‌دانند؛ اما درعین‌حال آن را منشأ تنش‌های هنجاری و نسلی نیز تجربه می‌کنند (Arbabi et al., 2025). این مجموعه شواهد تصویر روشنی از دو نیروی همزمان پیش روی نوجوان ترسیم می‌کند: خانواده به‌عنوان منبع ارزش‌های سنتی و شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان میدان هویت‌سازی دیجیتال؛ تعاملی که می‌تواند هم بستر رشد و خودابرازی باشد و هم زمینه تعارض و آشفتگی. با وجود رشد چشمگیر مطالعات در زمینه هویت و شبکه‌های اجتماعی، هنوز ابعاد مهمی همچون چگونگی تجربه‌ی درونی نوجوان از تعارض میان ارزش‌های خانوادگی و الگوهای ارائه‌شده در شبکه‌های اجتماعی، شیوه‌های روزمره‌ی مدیریت این تنش (پنهان‌کاری، دوگانه‌سازی، چانه‌زنی)، پیامدهای عاطفی و رابطه‌ای این تعارض در ارتباط با والدین، و نیز نقش تفاوت‌های فرهنگی و طبقاتی در شکل‌دهی به مسیرهای هویتیابی دیجیتال در سایه مانده است. بخش بزرگی از پژوهش‌ها یا بر الگوهای کلی هویت دیجیتال متمرکز بوده‌اند یا پیامدهای روان‌شناختی استفاده از شبکه‌ها را به‌طور مجزا بررسی کرده‌اند، بی‌آنکه به این پرسش بپردازند که نوجوان چگونه در زندگی روزمره میان انتظارات خانواده و منطق سکوه‌های برخط چانه‌زنی می‌کند. این غفلت موجب شده است که ارتباط زنده و پویا میان دو منبع اصلی هویت - فرهنگ خانواده و شبکه‌های اجتماعی - کمتر درک شود (Avci et al., 2025; Pérez-Torres, 2024). از سوی دیگر، سنجش‌های موجود اغلب به شاخص‌های کمی مانند میزان زمان مصرف یا نوع فعالیت‌ها محدود شده‌اند و ابعاد معنا‌سازانه و تجربه زیسته تعارض هویتی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این در حالی است که هویت بیش از هر چیز فرایندی تفسیری و معطوف به معناست و بدون کاوش در روایت‌های شخصی نوجوانان نمی‌توان به درک عمیقی از این تجربه رسید (Modecki et al., 2022). افزون‌براین، یافته‌های مربوط به نقش خانواده و شیوه‌های والدگری دیجیتال متناقض‌اند؛ برخی پژوهش‌ها محدودسازی سخت‌گیرانه را مؤثر دانسته‌اند، درحالی‌که شواهد تازه نشان می‌دهد چنین رویکردهایی گاه پیامدهای ناخواسته به همراه

دارند و تنها الگوهای گفت‌وگومحور می‌توانند به تنظیم سالم‌تر رابطه نوجوان و شبکه‌ها کمک کنند (Hernández et al., 2024; Chen et al., 2025). این تناقض‌ها ضرورت بررسی‌های بومی‌شده و مقایسه‌ای را پررنگ‌تر می‌سازد. مهم‌تر از همه، بخش عمده ادبیات موجود در زمینه هویت و شبکه‌های اجتماعی از بسترهای غربی نشئت گرفته و پژوهش‌های اندکی به جوامعی پرداخته‌اند که در آن‌ها خانواده همچنان مرجع اصلی هویت‌بخشی است. در ایران و سایر جوامع درحال‌گذار، نوجوانان در فضایی رشد می‌کنند که ارزش‌های سنتی خانواده با الگوهای جهانی‌شده شبکه‌ها در تعارض قرار دارند. مطالعات کیفی محدودی که در این بافت‌ها انجام شده‌اند، تنها گوشه‌هایی از این تعارض را روشن کرده‌اند و هنوز تصویر جامع و عمیقی از تجربه زیسته نوجوانان در دست نیست (Arbabi et al., 2025). این خلأ نشان می‌دهد که بررسی مستقیم روایت‌های نوجوانان ایرانی می‌تواند نه تنها شکاف موجود در ادبیات را پر کند بلکه ابعاد تازه‌ای از تعامل میان سنت و مدرنیته را در فرایند هویت‌یابی نسل جدید آشکار سازد.

با توجه به خلأهای یادشده، اهمیت پرداختن به تجربه زیسته نوجوانان از تعارض هویتی میان فرهنگ خانواده و شبکه‌های اجتماعی دوچندان می‌شود. این موضوع صرفاً مسئله‌ای فردی یا گذرا نیست بلکه بازتابی از رویارویی دو منطق فرهنگی است: از یک‌سو خانواده با ارزش‌ها، هنجارها و انتظارات نسلی که هنوز نقش مرجعیت دارد، و از سوی دیگر شبکه‌های اجتماعی که با الگوریتم‌های جهانی‌شده خود سبک‌های تازه‌ای از زیست و هویت را عرضه می‌کنند. در جوامعی مانند ایران که خانواده همزمان با فشارهای نوین رسانه‌ای درگیر است، این تعارض می‌تواند به یکی از محوری‌ترین چالش‌های رشد نوجوانان بدل شود. درک این تجربه از خلال روایت‌های خود نوجوانان، نه تنها امکان تبیین دقیق‌تر فرایند هویت‌یابی در جوامعی با ساختارهای فرهنگی جمع‌گرا و خانواده‌محور را فراهم می‌کند بلکه به سیاست‌گذاران آموزشی و خانواده‌ها نیز کمک می‌کند تا راهبردهای کارآمدتری برای مواجهه با این تغییرات طراحی کنند. از سوی دیگر، این پژوهش از منظر نظری نیز اهمیت دارد، چرا که می‌تواند به پر کردن فاصله میان دو حوزه مطالعاتی منجر شود: مطالعات هویت دیجیتال که عمدتاً بر ویژگی‌های فردی و سکویی متمرکز بوده‌اند، و پژوهش‌های خانواده که اغلب شبکه‌های اجتماعی را در حاشیه دیده‌اند. اتصال این دو خط پژوهشی می‌تواند تصویری جامع‌تر از نحوه شکل‌گیری تعارض‌ها و سازگاری‌های هویتی

فراهم آورد. افزون‌براین، در بستر سیاست‌های فرهنگی و تربیتی، شنیدن صدای نوجوانان و فهم معناسازی آن‌ها از این تعارض، گامی ضروری برای طراحی مداخلات بومی و حساس به فرهنگ خواهد بود. براین‌اساس، پژوهش حاضر می‌کوشد به این پرسش بنیادین پاسخ دهد که: نوجوانان ایرانی چگونه تجربه تعارض هویتی میان فرهنگ خانواده و شبکه‌های اجتماعی را در زندگی روزمره خود زیست می‌کنند؟

روش پژوهش

این پژوهش با رویکرد کیفی و با رهیافت تحلیل مضمون انجام شد. در این مسیر تلاش شد نوجوانان نه صرفاً به‌عنوان پاسخ‌دهندگان بلکه به‌عنوان روایتگران زندگی خود دیده شوند تا از خلال بازگویی تجربه‌هایشان، جنبه‌های پنهان این تعارض فرهنگی روشن گردد. جامعه پژوهش شامل نوجوانان ۱۳ تا ۱۸ ساله شهر قزوین بود که حضور مستمر در شبکه‌های اجتماعی داشتند و در خانواده‌هایی زندگی می‌کردند که بر اساس گزارش نوجوانان مشارکت‌کننده حامل ارزش‌ها و هنجارهای سنتی یا متمایز از منطق فرهنگی شبکه‌های اجتماعی بودند. شناسایی این ویژگی از طریق معیارهایی چون محدودیت‌های والدین در استفاده از فضای مجازی، تأکید بر اطاعت‌پذیری، پایبندی به هنجارهای سنتی، و نارضایتی آشکار والدین از محتوای شبکه‌های اجتماعی انجام شد. افراد واجد شرایط از طریق همکاری مدارس، مشاوران و مراکز فرهنگی شناسایی و معرفی شدند. نمونه‌گیری به شیوه هدفمند انجام شد و تا زمان رسیدن به اشباع داده‌ها ادامه یافت. ملاک اصلی ورود به پژوهش، کسب نمره بالا در دو ابزار روان‌سنجی معتبر بود. نخست، پرسش‌نامه «اختلال در استفاده از شبکه‌های اجتماعی»^{۱۱} که توسط فان دن آیشاوگن و همکاران (۲۰۱۶) طراحی و در ایران توسط باقری شیخانگفته و همکاران (۱۴۰۳) هنجاریابی و اعتباریابی شده است. این پرسش‌نامه شامل ۹ گویه با سه مؤلفه اصلی است: از دست دادن کنترل، اختلال عملکرد، و نشانه‌های ترک یا وابستگی. نوجوانانی که نمره ۵ یا بالاتر کسب کردند، به‌عنوان دارای استفاده مشکل‌آفرین از شبکه‌های اجتماعی تلقی شده و در فهرست انتخاب قرار گرفتند. دوم، پرسش‌نامه «سبک‌های هویت - نسخه ششم»^{۱۲} که توسط برزونسکی (۱۹۹۸) تدوین شده و روایی و پایایی آن در ایران توسط پژوهشگران مختلف از جمله غضنفری

11. Social Media Disorder Scale

12. Identity Style Inventory - ISI-6G

(۱۳۸۳) و در سطح بین‌المللی در مطالعه کروچتی و شکری (۲۰۱۰) مورد تأیید قرار گرفته است. این ابزار دارای ۴۰ گویه بوده و چهار خرده‌مقیاس را می‌سنجد: سبک اطلاعاتی، سبک هنجاری، سبک سردرگم/اجتنابی و تعهد هویتی. پاسخ‌ها در مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرت از «کاملاً مخالفم = ۱» تا «کاملاً موافقم = ۵» نمره‌گذاری می‌شوند. نمره هر خرده‌مقیاس برابر با جمع نمره‌های گویه‌های مربوط به همان سبک است. نمره بالاتر نشان‌دهنده گرایش بیشتر به آن سبک پردازش هویت است. برخلاف پرسش‌نامه اختلال در استفاده از شبکه‌های اجتماعی که نقطه برش مشخص دارد، در پرسش‌نامه سبک‌های هویت - نسخه ششم، تعارض هویتی به صورت مستقیم سنجیده نمی‌شود؛ اما مطابق ادبیات پژوهشی، خرده‌مقیاس «سبک سردرگم/اجتنابی» معتبرترین شاخص بی‌ثباتی، ناهماهنگی و تعارض در فرایند هویت‌یابی است (Berzonsky, 1998; Crocetti & Shokri, 2010). بنابراین، در این پژوهش نوجوانانی که در این خرده‌مقیاس نمره‌ای بالاتر از میانگین هنجاری جامعه ایرانی کسب کردند، به عنوان افراد دارای تعارض هویتی تلقی شدند. سایر خرده‌مقیاس‌ها - سبک اطلاعاتی، سبک هنجاری و تعهد هویتی - معمولاً به عنوان شاخص‌های جست‌وجوی فعال، تبعیت از ارزش‌های والدین و ثبات هویتی تفسیر می‌شوند و نشانه تعارض محسوب نمی‌گردند. ملاک ورود به پژوهش علاوه بر نتایج پرسش‌نامه‌ها، شامل دست‌کم شش ساعت استفاده روزانه از شبکه‌های اجتماعی، تجربه مستقیم اختلاف یا فاصله ارزشی میان خانواده و محتوای مجازی، و تمایل و توانایی برای حضور در مصاحبه بود. برای احراز ملاک «تجربه اختلاف یا فاصله ارزشی»، از نوجوانان در مرحله غربالگری خواسته شد نمونه‌ای از موقعیت‌هایی را توصیف کنند که در آن میان ارزش‌های خانواده و محتوای شبکه‌های اجتماعی احساس تضاد، ناهماهنگی یا اختلاف پیدا کرده‌اند؛ تنها نوجوانانی که تجربه‌ای روشن و قابل‌استناد ارائه دادند واجد این ملاک شناخته شدند. فرایند نمونه‌گیری تا زمان رسیدن به اشباع داده‌ها ادامه یافت. پس از مصاحبه پانزدهم، هیچ کد تازه‌ای تولید نشد و اشباع محقق گردید. به منظور افزایش اطمینان و تقویت روایی فرایند، دو مصاحبه اضافی نیز انجام شد که این مصاحبه‌ها نیز مضمون جدیدی به داده‌ها نیفزودند و اشباع تأیید شد. در مجموع، ۱۷ نوجوان با تنوع در جنسیت، سن و وضعیت خانوادگی در پژوهش شرکت کردند.

ابزار اصلی گردآوری داده‌ها مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بود. این نوع مصاحبه به

پژوهشگر اجازه داد تا در عین داشتن چهارچوبی مشخص، به روایت‌های شخصی و چندلایه نوجوانان نیز میدان داده شود. روایی پرسش‌های مصاحبه از طریق بازبینی متخصصان و اجرای یک مصاحبه آزمایشی برای بررسی وضوح و کفایت پرسش‌ها تأمین شد. پرسش‌ها پس از دریافت بازخورد و اصلاح، در نسخه نهایی استفاده شدند. پرسش‌های اصلی حول محورهایی چون تجربه مواجهه با ارزش‌های متضاد، احساسات ناشی از این تقابل، و پیامدهای آن در روابط خانوادگی و فردی طراحی شد؛ به‌عنوان نمونه، از نوجوانان پرسیده شد: «وقتی چیزی در شبکه‌های اجتماعی می‌بینی که با باورهای خانوادات متفاوت است، چه احساسی داری؟» یا «این تفاوت‌ها چه تأثیری روی رابطه‌ات با خانواده گذاشته است؟». مصاحبه‌ها بین ۴۵ تا ۷۰ دقیقه به طول انجامید، با اجازه کتبی والدین و نوجوانان ضبط شد و سپس واژه به واژه پیاده‌سازی گردید. همه مصاحبه‌ها در محیط‌های امن و مورد توافق مشارکت‌کنندگان (مدارس یا مراکز مشاوره) و در یک بازه زمانی دو ماهه انجام شد. داده‌های به‌دست‌آمده با رویکرد تحلیل مضمون و بر اساس مراحل شش‌گانه براون و کلارک (۲۰۰۶) تحلیل شدند. در مرحله نخست، پژوهشگر با خوانش مکرر متن مصاحبه‌ها با داده‌ها آشنا شد و برداشت‌های اولیه را یادداشت کرد. در مرحله دوم، واحدهای معنایی مشخص و کدهای اولیه به‌صورت نظام‌مند تولید شدند. در گام سوم، کدهای مشابه در قالب خوشه‌هایی با معنا و جهت‌گیری مشترک گروه‌بندی و مضامین اولیه شکل گرفت. مرحله چهارم شامل بازبینی و اصلاح مضامین بود تا از انسجام درونی هر مضمون و تمایز آن‌ها از یکدیگر اطمینان حاصل شود. سپس در مرحله پنجم، مضامین تعریف، مرزبندی و نام‌گذاری شدند تا معنای اصلی هر مضمون به‌روشنی مشخص شود. در نهایت، در مرحله ششم، مضامین نهایی در قالب گزارشی تحلیلی همراه با نقل‌قول‌های مستقیم ارائه شد تا عمق تجربه‌ها و صدای مشارکت‌کنندگان به‌طور دقیق بازتاب یابد. برای افزایش دقت و اعتبار پژوهش، مؤلفه‌های پیشنهادی گوبا و لینکلن (۱۹۸۹) به‌صورت عملی و متناسب با فرایند کیفی مطالعه اجرا شد. در گام نخست، به‌منظور تقویت قابلیت اعتماد، بخشی از تحلیل‌های اولیه و برداشت‌ها با چند نفر از مشارکت‌کنندگان در میان گذاشته شد تا آنان صحت و دقت بازتاب تجربه‌هایشان را تأیید کنند. هم‌زمان، پژوهشگر در مراحل مختلف تحلیل با ناظر پژوهشی گفت‌وگو کرد و تفسیرها را به‌طور مداوم بازبینی نمود تا از ثبات و سازگاری آن‌ها اطمینان حاصل شود. برای افزایش

انتقال‌پذیری، نمونه‌ای با تنوع قابل توجه از نظر سن، جنسیت، وضعیت خانوادگی و الگوی استفاده از شبکه‌های اجتماعی انتخاب شد و تلاش شد توصیف‌هایی غنی از زمینه‌های خانوادگی و تجربه‌های زیسته نوجوانان ارائه گردد تا خوانندگان بتوانند درباره قابلیت تعمیم‌پذیری نتایج به بافت‌های مشابه قضاوتی آگاهانه داشته باشند. در بخش اتکاپذیری، تمامی مراحل گردآوری و تحلیل داده‌ها - از جمله تصمیم‌های تحلیلی، کدهای اولیه، اصلاحات انجام‌شده و مسیر شکل‌گیری مضامین - به‌دقت مستندسازی شد تا روند تحلیل قابل‌پیگیری باشد. همچنین ناظر پژوهش در چند مرحله تحلیل‌ها را بازخوانی و با داده‌های خام تطبیق داد. برای تقویت تأییدپذیری نیز پژوهشگر هم‌زمان با مصاحبه و تحلیل، یادداشت‌های انعکاسی را ثبت کرد تا نقش پیش‌فرض‌ها و سوگیری‌های احتمالی کنترل شود. افزون‌براین، بخش‌هایی از کدگذاری و خوشه‌بندی مضامین توسط یک همکار پژوهشی مستقل بازبینی شد تا اطمینان حاصل شود تفسیرها با داده‌ها همخوانی دارد و از استنتاج‌های بی‌پایه اجتناب شده است. مجموعه این اقدامات شرایطی فراهم آورد که یافته‌ها با بیش‌ترین میزان دقت، انسجام و اتکا گزارش شوند. در تمامی مراحل پژوهش اصول اخلاقی رعایت گردید. پیش از مصاحبه، هدف، مراحل و کاربرد پژوهش به زبان ساده برای نوجوانان و والدین توضیح داده شد و رضایت آگاهانه کتبی آن‌ها دریافت شد. به مشارکت‌کنندگان اطمینان داده شد که در هر زمان می‌توانند از پژوهش خارج شوند. محرمانگی اطلاعات با حذف داده‌های هویتی و استفاده از نام مستعار تضمین شد. فایل‌های ضبط‌شده و نسخه‌های مکتوب صرفاً در اختیار پژوهشگر باقی ماند و پس از اتمام تحلیل به‌طور امن بایگانی گردید. درنهایت، به‌منظور قدردانی از مشارکت‌کنندگان، در صورت بروز نیاز روانی، امکان دریافت جلسه مشاوره رایگان از پژوهشگران فراهم گردید.

یافته‌ها

در این پژوهش ۱۷ نوجوان با میانگین سنی ۱۵ سال شرکت کردند (۹ دختر، ۸ پسر) و میانگین مدت استفاده روزانه آنان از شبکه‌های اجتماعی حدود ۹ ساعت بود. سکوهایی غالب شامل اینستاگرام، یوتیوب و تیک‌تاک بود. جزئیات کامل ویژگی‌های جمعیت‌شناختی در جدول شماره ۱ نشان داده شده است.

جدول شماره ۱: اطلاعات جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان

ردیف	جنسیت	سن	پایه تحصیلی	شبکه اجتماعی غالب	مدت زمان استفاده از فضای مجازی	نمره مقیاس اختلال در استفاده از شبکه‌های اجتماعی (SMD)	نمره مقیاس سبک‌های هویت (ISI-6G)
۱	دختر	۱۴	هشتم	اینستاگرام	۷ ساعت	۶	۸۵
۲	پسر	۱۶	دهم	یوتیوب	۹ ساعت	۵	۷۲
۳	دختر	۱۵	نهم	تیک‌تاک	۸ ساعت	۷	۹۰
۴	پسر	۱۷	یازدهم	اینستاگرام	۱۰ ساعت	۸	۷۸
۵	دختر	۱۳	هفتم	تلگرام	۶ ساعت	۵	۸۱
۶	پسر	۱۴	هشتم	روبیکا	۱۱ ساعت	۶	۷۴
۷	دختر	۱۶	دهم	اینستاگرام	۹ ساعت	۷	۸۷
۸	پسر	۱۵	نهم	یوتیوب	۷ ساعت	۵	۷۰
۹	دختر	۱۷	یازدهم	اینستاگرام	۱۲ ساعت	۸	۸۲
۱۰	پسر	۱۳	هفتم	تیک‌تاک	۶ ساعت	۶	۷۶
۱۱	دختر	۱۴	هشتم	اینستاگرام	۸ ساعت	۷	۸۸
۱۲	پسر	۱۶	دهم	یوتیوب	۷ ساعت	۵	۷۳
۱۳	دختر	۱۵	نهم	اینستاگرام	۱۰ ساعت	۶	۸۴
۱۴	پسر	۱۷	یازدهم	تلگرام	۹ ساعت	۷	۷۹
۱۵	دختر	۱۳	هفتم	اینستاگرام	۶ ساعت	۵	۸۰
۱۶	پسر	۱۴	هشتم	یوتیوب	۸ ساعت	۶	۷۵
۱۷	دختر	۱۶	دهم	اینستاگرام	۱۱ ساعت	۷	۸۹

پس از حصول اشباع داده‌ها در فرایند مصاحبه و تجزیه و تحلیل تجارب زیسته شرکت‌کنندگان در پژوهش، در تحلیل مصاحبه‌ها ۹۳ کد باز، ۲۸ مضمون فرعی، ۴ مضمون اصلی و یک مضمون هسته‌ای شناسایی شد. یافته‌ها در جدول شماره ۲ ارائه شده است.

جدول شماره ۲: مضامین استخراجی از تجارب مشارکت‌کنندگان

مضمون هسته‌ای	مضامین اصلی	مضامین فرعی
شبکه‌های اجتماعی برای نوجوانان نه صرفاً رسانه‌ای ارتباطی، بلکه میدان اصلی تعارض و بازسازی هویت در مواجهه با ارزش‌ها و ساختارهای خانوادگی هستند.	استحاله ارتباطی - ساختاری خانواده در سایه شکاف بین خانواده و شبکه‌های اجتماعی	زندگی دوگانه میان نقش خانوادگی و نقش برخط
		کنترل نابرابر مبتنی بر جنسیت
		نقض مرزهای شخصی به بهانه کنترل دیجیتال
		کنترل مبتنی بر نگاه اجتماعی و حیثیت خانوادگی
		فاصله نسلی ناشی از قضاوت‌ها
		کاهش گفت‌وگو و جایگزینی سکوت یا مشاخره
		کشمکش استقلال‌خواهی در برابر انتظار اطاعت
		بی‌اعتمادی متقابل ناشی از تفاوت منابع دانشی
		احساس بیگانگی و تضعیف صمیمیت با خانواده
		تضعیف اقتدار والدینی
تعارضات هنجاری - ارزشی تأثیرگذار در سبک زندگی	تعارضات هنجاری - ارزشی تأثیرگذار در سبک زندگی	تعارض ارزش‌های مذهبی و اخلاقی خانواده با هنجارهای آزاد شبکه‌ها
		دوگانگی در معیارهای موفقیت و پیشرفت
		تعارض در سبک زندگی و الگوهای مصرف
		تعارض در الگوهای جنسیتی و نقش‌های زن و مرد
		تقابل ارزش حریم خانوادگی با نمایش‌گری عمومی در شبکه‌ها
		تعارض میان جمع‌گرایی خانوادگی و فردیت تقویت‌شده در شبکه‌ها
		تفاوت معیارهای اخلاقی درباره روابط اجتماعی
		احساس عقب‌ماندگی در مقایسه با دیگران
		تغییر معیارهای موفقیت ناشی از الگوهای مجازی
		داشتن انتظارات غیرواقع‌بینانه از خود
جست‌وجوی اعتبار و ارزشمندی در قالب لایک و فالوور		
شبکه‌های اجتماعی به‌مثابه پناهگاه عاطفی و هویتی	بازتعریف مفهوم هویت ناشی از سازوکار مقایسه	احساس شرم بدنی ناشی از مقایسه‌گری
		تجربه دیده‌شدن در شبکه‌های اجتماعی
		امتحان‌کردن هویت‌های متفاوت و سرکوب‌شده
		تجربه آزادی و ابراز وجود در شبکه‌های اجتماعی
		احساس هویت اجتماعی مستقل از خانواده
		تجربه احساس تعلق و صمیمیت در شبکه‌های اجتماعی
تجربه حمایت روانی و عاطفی در شبکه‌های اجتماعی		

نخستین مضمون استخراج‌شده از روایت‌های نوجوانان، به شکاف ارتباطی و ساختاری در خانواده مربوط می‌شود؛ جایی که کنترل‌های جنسیتی، نظارت‌های دیجیتال و فاصله نسلی، بنیان ارتباط را دچار استحاله می‌کند. نوجوانان در روایت‌های خود نشان دادند که ورود شبکه‌های اجتماعی مرزهای ارتباطی خانواده را تغییر داده و نوعی زندگی دوگانه برای آنان ساخته است. آن‌ها می‌گویند در خانه باید نقش فرزند مطیع و سازگار با ارزش‌های خانوادگی را ایفا کنند؛ اما در فضای مجازی می‌توانند خود واقعی‌شان را زندگی کنند. همان‌طور که یکی از نوجوانان گفت: «شب‌ها با گوشی توی تخت خود واقعیم، روزها باید نقش بچه خوب خونه رو بازی کنم». این دوگانگی، فشار روانی شدیدی ایجاد می‌کند و سبب می‌شود نوجوان میان دو هویت متعارض در نوسان باشد. کنترل والدین نیز بخش مهمی از تجربه نوجوانان است. این کنترل هم در شکل نابرابر جنسیتی بازتاب پیدا می‌کند و هم در قالب نظارت مستقیم بر زندگی دیجیتال. دختری اشاره می‌کند: «برادر من می‌تونه دیر بیاد خونه، ولی من اگه یک ساعت دیر کنم کلی دعوا میشه». نوجوانان چنین رفتارهایی را نه به عنوان حمایت بلکه به عنوان تبعیض تجربه می‌کنند. افزون‌براین، والدین بازرسی از تلفن همراه و حساب‌های شخصی را حق خود می‌دانند. مشارکت‌کننده شماره ۷ می‌گوید: «مامانم هر بار گوشی‌مو می‌گیره میگه باید بدونم چی نوشتی، حتی رمزمو خواست». این شیوه از نظارت، برای نوجوان به معنای بی‌اعتمادی و نادیده‌گرفتن استقلال شخصی است و موجب می‌شود رابطه والد-فرزند به سمت تنش و مقاومت برود. همچنین، نگاه اجتماعی و حیثیت خانوادگی در کنترل نوجوانان نقش تعیین‌کننده دارد. بسیاری می‌گویند انتخاب‌هایشان با این جمله متوقف می‌شود؛ به‌عنوان مثال مشارکت‌کننده شماره ۹ می‌گفت: «مردم چی میگن؟ آبرو خانواده میره». نوجوانان این تجربه را نوعی مصادره زندگی شخصی به‌نام خانواده می‌دانند؛ جایی که حتی کوچک‌ترین تصمیم‌ها زیر سایه دیگران قرار می‌گیرد. علاوه‌براین، فاصله نسلی به‌وضوح در روایت‌ها دیده می‌شود. نوجوانان می‌گویند هرگاه درباره فناوری یا موضوعات فرهنگی جدید حرف می‌زنند، با قضاوت و انکار والدین روبه‌رو می‌شوند. مشارکت‌کننده ۲ گفت: «وقتی درباره فناوری جدید حرف می‌زنم میگن اینا همه خلاف دینه، حس می‌کنم خیلی از ما عقبن». این تفاوت دیدگاه‌ها باعث می‌شود نوجوانان خانواده را عقب‌تر از دنیای خود تجربه کنند. به همین دلیل، مرجعیت دانشی والدین در نگاه آنان تضعیف می‌شود. وقتی نوجوانان چیزی را از شبکه‌های اجتماعی

بازگو می‌کنند، والدین معمولاً آن را «دروغ» می‌نامند. در نتیجه، نوجوانان احساس می‌کنند دانسته‌هایشان جدی گرفته نمی‌شود و گفت‌وگو با والدین به جایی نمی‌رسد. این وضعیت به شکل‌گیری بی‌اعتمادی متقابل و افزایش شکاف عاطفی میان نسل‌ها منجر می‌شود. این کنترل‌های جنسیتی، نظارت‌های مداوم و فاصله نسلی که نوجوانان تجربه می‌کنند، تنها به محدودیت یا اختلاف نظر ختم نمی‌شود بلکه به تدریج کیفیت رابطه‌ها را هم فرسوده می‌سازد. آنچه ابتدا به شکل اختلاف در دیدگاه یا بی‌اعتمادی دانشی ظاهر می‌شود، در ادامه به کاهش گفت‌وگو و سرد شدن فضای عاطفی خانواده می‌انجامد. نوجوانان می‌گویند که بسیاری از تلاش‌هایشان برای اشتراک‌گذاری تجربه‌های روزمره یا علایقشان به بن‌بست می‌رسد. مشارکت‌کننده شماره ۱۵ توضیح داد: «وقتی از بلاگر مورد علاقه‌م گفتم، سریع گفتن مزخرفه؛ دیگه یاد گرفتم ساکت باشم». این واکنش‌های مکرر باعث می‌شود سکوت به یک راهبرد بقا تبدیل شود و رابطه والد-فرزند به جای گفت‌وگوی دوطرفه، به سکوت یا مشاجره تقلیل یابد. در چنین فضایی، کشمکش میان میل به استقلال و انتظار اطاعت پررنگ‌تر می‌شود. نوجوانان می‌خواهند تصمیم‌های شخصی بگیرند و انتخاب‌هایشان را تجربه کنند؛ اما خانواده همچنان بر نقش «فرزند مطیع» پافشاری می‌کند. همین تضاد مداوم میان استقلال‌خواهی و اطاعت، نوجوان را در موقعیت تعارض دائمی قرار می‌دهد و احساس می‌کند هیچ‌گاه به اندازه کافی «جدی گرفته نمی‌شود». تجربه‌های مکرر این تعارض‌ها در نهایت به احساس بیگانگی عاطفی می‌انجامد. مشارکت‌کننده شماره ۳ می‌گوید: «حس می‌کنم بینمون یه دیوار نامرئی کشیده شده وقتی از شبکه‌ها می‌گم». این دیوار نامرئی استعاره‌ای است از فاصله‌ای که به تدریج میان نوجوان و والدین شکل می‌گیرد؛ فاصله‌ای که نه تنها گفت‌وگو را محدود می‌کند بلکه صمیمیت و تعلق عاطفی را هم تضعیف می‌سازد. نتیجه نهایی این فرایند، فرسایش اقتدار والدینی است. نوجوانان تصریح می‌کنند که بخش بزرگی از دانسته‌هایشان را از شبکه‌های اجتماعی به دست می‌آورند و همین امر باعث می‌شود توصیه‌ها و نصیحت‌های والدین دیگر کارکرد پیشین را نداشته باشد. همان‌طور که مشارکت‌کننده شماره ۱۱ گفت: «وقتی درباره موضوعات مهم از شبکه‌ها بیشتر یاد می‌گیرم، دیگه نصیحت‌های بابام اثر نداره». در چنین شرایطی، خانواده که در گذشته مرجع دانشی، اخلاقی و عاطفی اصلی نوجوان بود، به تدریج جایگاه خود را از دست می‌دهد. این استحاله آرام ولی عمیق، نه تنها اقتدار والدین را تضعیف می‌کند بلکه

ساختار ارتباطی خانواده را از درون فرسوده و کارکرد حمایتی آن را کمرنگ می‌سازد. دومین مضمون اصلی یافته‌ها به تعارض‌های هنجاری و ارزشی در سبک زندگی اختصاص دارد؛ تعارض‌هایی که از ارزش‌های مذهبی و اخلاقی تا الگوهای مصرف و نقش‌های جنسیتی را دربرمی‌گیرد. این تضاد برای آنان نوعی کشمکش هویتی ایجاد می‌کند؛ جایی که باید میان باورهای خانوادگی و جذابیت‌های جهان برخط تعادل برقرار کنند. یکی از نوجوانان در این باره گفت: «توی خانواده باید طبق باورای مذهبی باشم، ولی توی شبکه‌ها می‌تونم آهنگ گوش بدم یا فیلمی ببینم که خونه خط قرمز». چنین تجربه‌هایی باعث می‌شود نوجوانان احساس کنند در دو جهان متناقض زندگی می‌کنند؛ جهانی درون خانواده که بر کنترل و پایبندی به اصول تأکید دارد و جهانی مجازی که آزادی و انتخاب‌های جدید را در برابرشان می‌گذارد. این تعارض تنها به ارزش‌های مذهبی محدود نمی‌شود بلکه به معیارهای موفقیت و پیشرفت نیز کشیده می‌شود. خانواده همچنان موفقیت را در قالب تحصیلات عالی و دستیابی به جایگاه‌های سنتی تعریف می‌کند، درحالی که نوجوانان در شبکه‌ها الگوهای متفاوتی می‌بینند. مشارکت‌کننده شماره ۴ توضیح داد: «توی اینستا موفقیت یعنی فالوئر و پول سریع، ولی خونه میگن باید درس بخونی و دانشگاه بری». این دوگانگی باعث می‌شود نوجوانان در تعریف آینده خود دچار سرگشتگی شوند؛ از یک سو تحت فشار انتظارات سنتی خانواده‌اند و از سوی دیگر، مجذوب روایت‌های نوینی هستند که به‌ظاهر سریع‌تر و جذاب‌تر به موفقیت منتهی می‌شود. تعارض در معیارهای اخلاقی درباره روابط اجتماعی نیز یکی از جدی‌ترین تجربه‌های نوجوانان است. آن‌ها می‌گویند روابطی که در فضای برخط کاملاً عادی به نظر می‌رسد، در خانواده با قضاوت‌های شدید مواجه می‌شود. مشارکت‌کننده شماره ۱۴ گفت: «یه بار هم‌کلاسیم پیام داد، خانواده سخت گرفتند، درحالی که تو شبکه‌ها این چیزا عادی». این تفاوت در برداشت‌های اخلاقی، برای نوجوان نوعی تضاد ارزش ایجاد می‌کند؛ جایی که تجربه ساده ارتباط یا دوستی، می‌تواند در خانواده به مسئله‌ای بزرگ و نگران‌کننده تبدیل شود. این تعارض‌ها در سطح ارزش‌های بنیادین، نوجوانان را میان دو دنیای متناقض قرار می‌دهد؛ اما تجربه آنان تنها به این حوزه محدود نمی‌شود و در سبک زندگی روزمره و نقش‌های اجتماعی نیز خود را به‌وضوح نشان می‌دهد؛ جایی که انتخاب‌های کوچک و عادی مثل پوشش، مصرف یا حتی نحوه حضور در جمع، به میدان تازه‌ای از کشمکش میان خانواده

و شبکه‌های اجتماعی تبدیل می‌شود. پس از تعارض‌هایی که در سطح ارزش‌های بنیادین شکل می‌گیرند، تجربه نوجوانان نشان می‌دهد که این کشمکش‌ها به‌طور مستقیم در سبک زندگی روزمره و نقش‌های اجتماعی آن‌ها نیز بازتاب پیدا می‌کند. یکی از مهم‌ترین نمودهای این وضعیت، تضاد میان الگوهای مصرف خانوادگی و تصاویر لوکس و پرزرق‌وبرق شبکه‌های اجتماعی است. مشارکت‌کننده شماره ۱۶ گفت: «وقتی لاکچری لایف می‌بینم، دلم می‌خواد مثل اونا لباس و وسیله داشته باشم، ولی خانواده میگن ساده‌زیستی بهتره». این مواجهه مداوم با سبک زندگی متفاوت، نوعی نارضایتی پنهان ایجاد می‌کند؛ به‌گونه‌ای که نوجوانان احساس می‌کنند در خانواده‌ای با محدودیت مالی یا فرهنگی زندگی می‌کنند که با دنیای پرزرق‌وبرق شبکه‌ها فاصله زیادی دارد. تعارض در نقش‌های جنسیتی نیز به‌وضوح در روایت‌ها دیده می‌شود. نوجوانان، به‌ویژه دختران، می‌گویند آنچه در شبکه‌های اجتماعی از آزادی و فرصت‌های برابر مشاهده می‌کنند، با محدودیت‌هایی که خانواده برایشان تعیین می‌کند، در تضاد است. مشارکت‌کننده شماره ۱۷ توضیح داد: «می‌بینم دختری هم‌سنم آزاد کار می‌کنن یا مهاجرت می‌کنن؛ اما خانواده میگن برای دختر زوده و مناسب نیست». چنین تجربه‌هایی باعث می‌شود نوجوانان خود را میان دو تصویر از «زن بودن» یا «مرد بودن» ببینند: تصویری سنتی در خانواده و تصویری نوین در شبکه‌ها. این دوگانگی، پرسش‌های اساسی درباره نقش جنسیتی و مسیر آینده برای آنان ایجاد می‌کند. حفظ حریم خانوادگی نیز در برابر نمایش‌گری عمومی شبکه‌ها به منبع دیگری از تعارض تبدیل می‌شود. نوجوانان می‌گویند کوچک‌ترین حضور یا فعالیتشان در شبکه‌های اجتماعی با واکنش منفی والدین روبه‌رو می‌شود. مشارکت‌کننده شماره ۱ گفت: «وقتی استوری می‌زارم مامانم میگه چرا همه باید بدونن کجا رفتی، این آبروریزی داره». از نگاه نوجوان، شبکه‌های اجتماعی عرصه‌ای برای ابراز و دیده‌شدن‌اند؛ اما از نگاه خانواده، همان عرصه تهدیدی برای آبرو و حریم خصوصی است. این تقابل، احساس محدودشدن و نادیده‌گرفته‌شدن را در نوجوان تقویت می‌کند. در کنار این موارد، ارزش جمع‌گرایی خانوادگی نیز با فردیتی که شبکه‌های اجتماعی تقویت می‌کنند، در تضاد قرار می‌گیرد. نوجوانان می‌گویند خانواده همواره بر «با جمع بودن» و اولویت‌دادن به خواسته‌های گروهی تأکید می‌کند، درحالی‌که شبکه‌ها به آنان امکان می‌دهند فردیت خود را پررنگ کنند. مشارکت‌کننده شماره ۴ چنین تجربه‌ای داشت: «خانواده میگن همیشه با جمع باش، ولی

من دلم می‌خواد برای خودم وقت بذارم و انتخاب‌هام شخصی باشه». این تضاد، نوجوان را میان وفاداری به جمع خانوادگی و تمایل به استقلال فردی قرار می‌دهد؛ موقعیتی که اغلب با تنش و سوءتفاهم همراه است. در مجموع، مضمون «تعارضات هنجاری-ارزشی تأثیرگذار در سبک زندگی» نشان می‌دهد که نوجوانان در تعامل با شبکه‌های اجتماعی، خود را میان دو نظام ارزشی متناقض تجربه می‌کنند. از یک‌سو، خانواده با تأکید بر باورهای مذهبی و اخلاقی، معیارهای سنتی موفقیت، و محدودیت‌های سخت‌گیرانه در روابط اجتماعی، چهارچوب مشخصی را برای آنان ترسیم می‌کند؛ از سوی دیگر، شبکه‌های اجتماعی ارزش‌هایی چون آزادی فردی، ابراز وجود، معیارهای جدید موفقیت، و عادی‌سازی روابط را مشروعیت می‌بخشند. این تضاد در سطح ارزش‌های بنیادین تنها آغاز ماجراست و در ادامه به لایه‌های سبک زندگی روزمره نیز سرایت می‌کند؛ جایی که نوجوانان در زمینه مصرف، پوشش، نقش‌های جنسیتی، حریم خصوصی و فردیت، خود را در کشمکش دائمی با خانواده می‌یابند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که نوجوانان در جهان امروز نه تنها با بحران انتخاب میان دو سبک زندگی مواجه‌اند بلکه ناچارند به‌طور مستمر هویت خود را بازتعریف کنند. آنان باید میان «بایدهای خانوادگی» و «می‌خواهم‌های شخصی» تعادلی شکننده برقرار کنند؛ تعادلی که اغلب به احساس سردرگمی، فشار روانی و پرسشگری دائمی درباره خود و آینده‌شان منجر می‌شود.

مضمون سوم به بازتعریف هویت در پرتو مقایسه‌های مداوم در شبکه‌های اجتماعی می‌پردازد؛ تجربه‌ای که معیارهای موفقیت، ارزشمندی فردی و حتی تصویر بدنی نوجوانان را دگرگون می‌سازد. آنان در مواجهه با تصاویر و روایت‌های زندگی دیگران، احساس عقب‌ماندگی و نارضایتی از وضعیت کنونی خود را تجربه می‌کنند. نوجوانی در این باره گفت: «می‌بینم اینقدر ملت تو رفاه هستن حس می‌کنم تو زندگی از بقیه جا موندم». چنین مقایسه‌هایی به تدریج نگاه آنان به خود را تضعیف کرده و این باور را ایجاد می‌کند که آنچه دارند کافی یا ارزشمند نیست. این فرایند تنها به احساس محرومیت ختم نمی‌شود بلکه معیارهای موفقیت نیز برای نوجوانان تغییر می‌کند. خانواده معمولاً موفقیت را در قالب تحصیل و دستیابی به موقعیت‌های حرفه‌ای تعریف می‌کند؛ اما نوجوانان در شبکه‌ها می‌بینند که همسالانشان با تولید محتوا، شهرت یا مهارت‌های خاص، به سرعت به جایگاه اجتماعی و اقتصادی رسیده‌اند. همان‌طور که مشارکت‌کننده شماره ۸ توضیح داد: «خانواده

می‌گن موفقیت یعنی دکتر یا مهندس شدن، ولی تو اینستا دیدم هم‌سن‌هام با تولید محتوا یا هنر به جایی رسیدن». این تفاوت در معیارهای موفقیت، نوعی سردرگمی و تردید در مسیر آینده ایجاد می‌کند و نوجوانان را میان دو الگوی متعارض گرفتار می‌سازد. یکی از پیامدهای مستقیم این مقایسه‌ها، شکل‌گیری انتظارات غیرواقع‌بینانه از خود است. نوجوانان تلاش می‌کنند همان‌طور که در ویدئوها و تصاویر می‌بینند، در مدت کوتاه به دستاوردهای بزرگ برسند. مشارکت‌کننده شماره ۷ گفت: «چند روز با انگیزه ورزش می‌کنم چون ویدئوها نشون میدن سریع نتیجه می‌گیری، ولی وقتی نمی‌شه، حس می‌کنم شکست خوردم». این چرخه باعث می‌شود ناکامی‌های طبیعی فرایند رشد، به‌عنوان شکست شخصی تجربه شود و عزت‌نفس نوجوانان را تضعیف کند. جست‌وجوی ارزشمندی در قالب لایک و فالوور نیز بعد دیگری از این سازوکار مقایسه است. نوجوانان می‌گویند میزان توجه دیگران در شبکه‌های اجتماعی، برایشان به شاخصی از اعتبار تبدیل شده است. مشارکت‌کننده شماره ۱۷ گفت: «یه بار کفش خریدم، استوری گذاشتم و کلی لایک گرفتم؛ اما وقتی مدل جدیدش اومد حس کردم باز کمه». این وابستگی به تأیید بیرونی، هویت نوجوان را شکننده‌تر می‌کند؛ زیرا ارزشمندی او به عاملی بیرونی و ناپایدار وابسته می‌شود. مقایسه‌گری مداوم در نهایت به احساس شرم بدنی نیز منجر می‌شود. نوجوانان با دیدن بدن‌های تراشیده و تصاویر ویرایش‌شده، از ظاهر خود ناراضی می‌شوند و آن را کم‌تر از معیارهای شبکه‌ها می‌بینند. همان‌طور که مشارکت‌کننده شماره ۱۴ بیان کرد: «ویدئوهای بدن‌های تراشیده باعث شد از ظاهر خودم خجالت بکشم». این تجربه نه‌تنها احساس شرم را تقویت می‌کند بلکه چرخه‌ای از تلاش و ناکامی در تغییر ظاهر به‌وجود می‌آورد که اغلب با عذاب وجدان همراه است. در مجموع، مضمون «بازتعریف مفهوم هویت ناشی از سازوکار مقایسه» نشان می‌دهد که نوجوانان در فضای شبکه‌های اجتماعی دائماً خود را در آینه دیگران می‌بینند. این مقایسه‌ها معیارهای موفقیت، ارزشمندی و حتی تصویر بدنی آنان را بازتعریف می‌کند و هویتشان را در موقعیتی شکننده و ناپایدار قرار می‌دهد؛ هویتی که به‌جای اتکا به تجربه‌های اصیل و فردی، بر تأیید بیرونی و معیارهای دست‌نیافتنی شکل می‌گیرد.

چهارمین مضمون، شبکه‌های اجتماعی را به‌مثابه پناهگاهی عاطفی و هویتی برای نوجوانان نشان می‌دهد؛ فضایی که در آن احساس دیده‌شدن، آزادی، تعلق و حمایت روانی

شکل می‌گیرد. بسیاری از آنان تأکید کردند که در این فضا برای نخستین بار احساس «دیده شدن» را تجربه کرده‌اند. مشارکت‌کننده شماره ۴ گفت: «وقتی پست گذاشتم و لایک گرفتم، برای اولین بار حس کردم آدم‌ها منو می‌بینن و به حساب میارن». این دیده شدن، برای نوجوانان معادل به رسمیت شناخته شدن هویت و وجودشان است؛ چیزی که در خانواده یا محیط‌های سنتی کمتر تجربه کرده‌اند. در کنار این تجربه، شبکه‌های اجتماعی به نوجوانان امکان می‌دهد هویت‌های متفاوتی را که در خانواده یا مدرسه امکان بروز ندارند، امتحان کنند. مشارکت‌کننده شماره ۱۳ توضیح داد: «توی خانواده همیشه می‌گن باید باحیا باشم؛ اما تو شبکه‌ها می‌تونم خودمو طور دیگه‌ای تصور کنم». این فرصت برای آزمون نقش‌ها و هویت‌های متنوع، نه تنها راهی برای تخلیه فشارهای درونی است بلکه مسیری برای کشف جنبه‌های تازه‌ای از خود به شمار می‌رود. آزادی و ابراز وجود یکی دیگر از مؤلفه‌های محوری تجربه نوجوانان است. آن‌ها می‌گویند در شبکه‌ها می‌توانند بدون ترس از سرزنش یا محدودیت، نظر بدهند یا احساساتشان را بیان کنند. همان‌طور که مشارکت‌کننده شماره ۵ گفت: «اونجا می‌تونم بدون ترس نظرمو بگم، حتی درباره چیزایی که تو خونه باید سکوت کنم». این آزادی بیان، مرزهای بسته خانواده را برای نوجوانان گشوده‌تر می‌کند و به آن‌ها جسارت بیشتری برای ابراز فردیت می‌دهد. به تدریج، این فضا برای نوجوانان بستری فراهم می‌آورد تا هویت اجتماعی مستقلی از خانواده برای خود بسازند. مشارکت‌کننده شماره ۹ اظهار داشت: «حس می‌کنم توی شبکه‌ها خود واقعی‌ام هستم، نه نقشی که خانواده می‌خوان». چنین تجربه‌ای نشان می‌دهد که نوجوانان در شبکه‌های اجتماعی خود را به عنوان فردی مستقل و دارای هویت یگانه بازتعریف می‌کنند؛ هویتی که الزاماً با نقش‌های خانوادگی یا انتظارات سنتی همخوانی ندارد. در عین حال، شبکه‌های اجتماعی برای بسیاری از نوجوانان محلی برای تجربه تعلق و صمیمیت جمعی است. آن‌ها می‌گویند وقتی می‌بینند افراد دیگری دغدغه‌هایی مشابه دارند، احساس می‌کنند تنها نیستند. مشارکت‌کننده شماره ۱۷ توضیح داد: «وقتی می‌بینم خیلی‌ها مثل من دغدغه مدرسه یا خانواده دارن، حس می‌کنم تنها نیستم». این تجربه تعلق، احساس امنیت روانی ایجاد می‌کند و به نوجوانان کمک می‌کند که فشارهای فردی‌شان را در چهارچوب یک جمع بزرگ‌تر تحمل‌پذیرتر ببینند. در نهایت، بسیاری از نوجوانان از تجربه حمایت روانی و عاطفی در شبکه‌های اجتماعی سخن گفتند. آن‌ها وقتی با مشکلات یا غم‌های

شخصی روبه‌رو می‌شوند، از طریق محتوای همدلانه یا گفت‌وگو با دیگران در این فضا آرامش می‌یابند. مشارکت‌کننده شماره ۱۳ گفت: «وقتی از غم و مشکلات می‌خونم، آرام می‌شم چون می‌فهمم فقط من نیستم که سختی دارم». در این معنا، شبکه‌های اجتماعی به پناهگاهی تبدیل می‌شوند که نوجوانان از آن برای جبران خلأهای عاطفی در خانواده بهره می‌برند. به‌طورکلی، مضمون «شبکه‌های اجتماعی به‌مثابه پناهگاه عاطفی و هویتی» نشان می‌دهد که نوجوانان در این فضا هم امکان فردیت و ابراز وجود را پیدا می‌کنند، هم احساس دیده‌شدن و ارزشمندی را تجربه می‌کنند، و هم در جمع‌های مجازی احساس تعلق و حمایت به‌دست می‌آورند. به‌این‌ترتیب، شبکه‌های اجتماعی نه صرفاً یک بستر ارتباطی بلکه به‌خانه دوم نوجوانان تبدیل می‌شوند؛ خانه‌ای که گاه‌گرمای پذیرشی را فراهم می‌آورد که در محیط خانوادگی کمتر تجربه کرده‌اند. درمجموع، روایت‌های نوجوانان نشان داد که شبکه‌های اجتماعی تجربه نوجوانان را در چهار سطح دگرگون می‌کنند: فرسایش ارتباط و اقتدار خانوادگی، تعارض‌های ارزشی و سبک زندگی، بازتعریف هویت در پرتو مقایسه‌گری، و پناهجویی عاطفی. برآیند این تحولات آشکار ساخت که شبکه‌های اجتماعی برای نوجوانان نه صرفاً رسانه‌ای ارتباطی بلکه میدان اصلی کشمکش و بازسازی هویت در مواجهه با ارزش‌ها و ساختارهای خانوادگی‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف مطالعه حاضر شناسایی تجارب زیسته نوجوانان از تعارض هویتی میان فرهنگ خانواده و شبکه‌های اجتماعی بود. یافته‌های این مطالعه شامل تحلیل مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با ۱۵ نوجوانان بود که در مضامین فرعی و اصلی تقسیم‌بندی شدند. تحلیل مصاحبه نیمه‌ساختاریافته به شناسایی ۴ مضمون اصلی منجر شد که عبارت‌اند از: استحاله ارتباطی-ساختاری خانواده در سایه شکاف بین خانواده و شبکه‌های اجتماعی، تعارضات هنجاری-ارزشی تأثیرگذار در سبک زندگی، بازتعریف مفهوم هویت ناشی از سازوکار مقایسه، شبکه‌های اجتماعی به‌مثابه پناهگاه عاطفی و هویتی.

از برآیند این پژوهش به این نتیجه دست‌یافتیم که شبکه‌های اجتماعی برای نوجوانان نه صرفاً رسانه‌ای ارتباطی بلکه میدان اصلی تعارض و بازسازی هویت در مواجهه با ارزش‌ها و ساختارهای خانوادگی هستند، به این معنا که نوجوانان در شبکه‌های اجتماعی

به دنبال یافتن ارزش‌ها و هویت خویش هستند، به عبارت دیگر شبکه‌های اجتماعی همچون آیین‌های است که نوجوانان می‌خواهند خویشتن را در آن ملاحظه کنند، این پژوهش همراستا با مطالعات لاهتی و همکاران (۲۰۲۴)، و گنرایتر و همکاران (۲۰۲۴)، ارستد و همکاران (۲۰۲۴)، و خهرو و همکاران (۲۰۲۱) است.

اولین مضمون اصلی شناسایی شده به استحاله ارتباطی-ساختاری خانواده در سایه شکاف بین خانواده و شبکه‌های اجتماعی می‌پردازد، ساخت به روابط قابل پیش‌بینی در خانواده اشاره دارد که منجر به تعادل حیاتی در خانواده می‌شود، در سال‌های اخیر با فراگیر شدن شبکه‌های اجتماعی قابلیت پیش‌بینی‌پذیری در خانواده با ابهام و تعارض مواجه شده است، طبق تجربه‌زیسته مشارکت‌کنندگان روابط در خانواده متحول شده است به این صورت که نقش‌ها دیگر به صورت سنتی در بین خانواده فراگیر نیست و در نتیجه قواعد و انتظارات اعضا از همدیگر تغییر پیدا کرده است و اینکه تفاوت‌های بین نسلی در خانواده تغییر محسوس داشته است و در این میان همدلی جای خودش را به قضاوت بین‌نسلی داده است و یا اینکه الگوی روابط بین خانواده‌ها تغییر پیدا کرده است و برقراری دیالوگ و گفتگو در خانواده جای خودش را به مونولوگ و انزوا داده است، نتایج این بخش با مطالعه ارستد و همکاران^{۱۳} (۲۰۲۴)، خهرو و همکاران^{۱۴} (۲۰۲۱) که دریافتند که فناوری‌های دیجیتال نه تنها ارتباط بین اعضای خانواده را قطع نمی‌کنند بلکه آن را دگرگون می‌کنند و استفاده گسترده از شبکه‌های اجتماعی توسط اعضای خانواده به‌ویژه در بستر دهک متوسط طبقه اجتماعی باعث ایجاد شکاف ارتباطی میان اعضای خانواده شده است و نوجوانان در این خانواده‌ها خود را درگیر تعارضات هویتی اجتناب‌ناپذیر احساس می‌کنند، همچنین عباسی شوازی و عباسی آتشگاه (۱۳۹۷) در مطالعه‌ای دریافتند که رسانه‌های نوین، به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی، الگوهای ارتباطی خانواده را دگرگون کرده و ارتباطات حضوری را کاهش داده‌اند و در نتیجه خانواده‌ها خود را در تعارضات هویتی-فرهنگی میان قواعد ارتباطی خویش و شبکه‌های اجتماعی رها شده احساس می‌کنند که با پژوهش حاضر همسوست. طبق تجارب زیسته نوجوانان بین این اصول ارتباطی ثابت در فرهنگ خانواده و چیزی که شبکه‌های اجتماعی از مفهوم خانواده سالم می‌خواهد تعارض اجتناب‌ناپذیری وجود دارد که این شکاف نقش خود را در مخدوش شدن هویت و کیستی

13. Erstad & et al

14. Khuhro & et al

نوجوانان می‌گذارد، نوجوانان خود را رها شده در میان گفتمان‌ها احساس می‌کنند، گفتمان‌هایی که عقاید متفاوت و بعضاً متناقضی را از معیارهای خانواده و ساخت کارآمد ترویج می‌کنند. بعضاً دیده شده است که برخی از صاحب‌نظران حوزه خانواده معتقدند که شکاف و تعارضات در دنیای نوین امروزی اجتناب‌ناپذیر است و خانواده لازم است خودش را با این تغییرات سریع وفق دهد تا به اصطلاح از قافله عقب نیفتد این صاحب‌نظران معتقدند هر چیز بدیعی به‌عنوان گفتمان غالب و پیشران است و مردم قادرند به راحتی به سمت آن متمایل شوند، در صورتی‌که از این نکته غافل شده‌اند که هر تغییری در ساخت ارتباطی در خانواده تعارض هویتی در خانواده و نوجوانان می‌گذارد، به صورتی‌که با استحاله ارتباطات، نوجوانان بقای خود را در معرض خطر احساس می‌کنند؛ زیرا دل‌بستگی و پیوند خودشان را با اعضای خانواده در معرض نابودی تصور می‌کنند.

دومین مضمون اصلی به تعارضات هنجاری-ارزشی تأثیرگذار در سبک زندگی می‌پردازد، مغز و قلب یک جامعه را هنجارها و ارزش‌های یک جامعه تشکیل می‌دهد، شبکه‌های اجتماعی سبک زندگی خانواده‌ها را در زمینه فردی و اجتماعی دگرگون کرده است و نوجوانان درگیر تعارض ناگزیری شده‌اند، به صورتی‌که نوجوانان خود را بین دو انتخاب رها شده احساس می‌کنند و هر کدام را انتخاب کنند منافع انتخاب دیگر را از دست می‌دهند، به صورتی‌که ارزش‌های خانواده را برگزینند، استقلال خویش را مخدوش شده در نظر می‌گیرند و گمان می‌کنند که به خودشان ستم کرده‌اند و در صورتی‌که ارزش‌های شبکه‌های اجتماعی و چیزی که ترویج می‌کنند را برگزینند به دلیل نادیده گرفتن هنجار و ارزش‌های خانواده احساس گناه می‌کنند، این همان مفهوم دوراهی وجودی است که تعارضات آن را به وجود آورده است، شا و همکاران^{۱۵} (۲۰۱۶) در مطالعه‌ای دریافتند که شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان فضای ابراز و جستجوی هویت عمل می‌کنند و موجب تعارض ارزشی-هنجاری با والدین می‌شوند، همچنین لاهتی و همکاران^{۱۶} (۲۰۲۴) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که والدین در زمان گذار نوجوانی، تأثیر رسانه (از جمله رسانه‌های اجتماعی) را بیشتر تهدیدکننده ارزش‌های نوجوان می‌دانند تا تأثیر همسالان که با پژوهش حاضر همسوست. طبق تجارب مشارکت‌کنندگان معیارهای فردی و اجتماعی در معرض تعارض است؛ به‌عنوان مثال فرهنگ خانواده تعریف مشخصی از سعادت‌مندی و موفقیت

15. Shah & et al

16. Lahti & et al

عرضه می‌کند که این مفهوم از نگاه شبکه‌های اجتماعی نامعتبر است و موفقیت و رسیدن به رضایتمندی متفاوت تعبیر می‌شود یا اینکه ارزش‌های مذهبی و اخلاقی تعبیر مختلفی به خود گرفته است، و دو فرد با ارزش‌های مذهبی مغایر یکدیگر می‌توانند هر دو اخلاق‌مدار در نظر گرفته شوند یا اینکه تعریف از دین‌مداری و معیار شخص دیندار دچار تضاد و تناقض شده است و مذهب و اخلاق در برخی از موارد همپوشان یکدیگر و در برخی دیگر نسبتاً مغایر یکدیگر برداشت می‌شود، همچنین سنت فرد یا جمع‌گرایی دچار تعارض است، شبکه‌های اجتماعی تفکر فردگرایی را ترویج می‌کنند ولی فرهنگ ایرانی-اسلامی خانواده‌ها را تشویق به همکاری با یکدیگر و صلح‌رحم می‌کند، به عبارتی شبکه‌های اجتماعی با برجسته و بازنمایی منافع فردگرایی یک‌جانبه فضاوت می‌کند و به دلیل جذابیت بصری شبکه‌ها، مفهوم‌سازی غلط، صحیح در نظر گرفته می‌شود و در این میان نوجوانان ثبات رأی خویش را از دست می‌دهند گاهی طرفدار فردگرایی و استقلال مفرط شخصی هستند و گاهی طرفدار جمع‌گرایی و همکاری با دیگران.

سومین مضمون اصلی کشف شده به بازتعریف مفهوم هویت ناشی از سازوکار مقایسه اشاره دارد، نوجوانان در سایه تعارض بین فرهنگ خانواده و شبکه‌های اجتماعی هویت خویش را مخدوش برداشت می‌کنند؛ زیرا دائماً تفکرات و رفتار خود را با معیارهای دیگران مقایسه می‌کنند و در این فرایند احساس ناکارآمدی می‌کنند، هویت در این فرایند به صورت عاریه‌ای است؛ زیرا اصالت انتخاب جای خود را به اضطراب درونی و بیرونی می‌دهد و در صورتی که معیارهای بیرونی برای نوجوانان به دست نیاید خویش را فاقد اعتبار و ارزش در نظر می‌گیرند؛ به عنوان مثال ارزشمندی انسان در نگاه آنان دیگر به صورت فطری و انتسابی نیست بلکه کرامت انسانی در قالب تعداد فالور و لایک بیشتر در نظر گرفته می‌شود، و گزاینتر و همکاران^{۱۷} (۲۰۲۴) در پژوهشی دریافته‌اند که واکنش مثبت زیاد (مانند دریافت لایک) موجب احساس ارتباط اجتماعی و افزایش عزت نفس می‌شود؛ اما کم بودن آن می‌تواند به کاهش خودارزشمندی و اضطراب بینجامد. همچنین نوجوانان در جریان ارتباط با شبکه‌های اجتماعی از شرم از بدن را تجربه می‌کنند؛ زیرا شبکه‌های اجتماعی تصویر مشخصی از بدن سالم و خوب را عرضه می‌کنند و نوجوانان خود را با همان معیار مقایسه می‌کنند و در نتیجه احساس ناکارآمدی می‌کنند و در عزت نفسشان تأثیر نامطلوبی می‌گذارد، به عبارت دیگر

تصویری که فرهنگ در خانواده ایرانی و شبکه‌های اجتماعی از بدن سالم عرضه می‌کنند مغایر یکدیگر است و همین عامل استرس مضاعفی برای نوجوانان به وجود می‌آورد، جارمن و همکاران^{۱۸} (۲۰۲۱) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که استفاده بیشتر از شبکه‌های اجتماعی به‌ویژه برای تمرکز روی ظاهر، با کاهش رضایت از بدن و آسیب سلامت روانی در نوجوانان همراه است، و در این‌میان تعارض معیارها در فرهنگ ایرانی و شبکه اجتماعی نقش میانجی ایفا می‌کند، درمجموع تعارض بین معیارها روح سازوکار مقایسه را در نوجوانان زنده نگه می‌دارند؛ زیرا در دیگر رضایت‌مندی به‌عنوان ملاکی درونی نیست بلکه رسیدن به شرایط رضایت‌مندی لازم است از ضوابط مشخص بیرونی پیروی کنند، ساباتینی و ساباچینو^{۱۹} (۲۰۱۵) در مطالعه‌ای دریافتند که استفاده از شبکه‌های اجتماعی باعث افزایش مقایسه اجتماعی می‌شود، بیشتر از تلویزیون، به‌ویژه در میان جوانان. این امر می‌تواند منجر به احساس فقدان پیشرفت یا عقب‌ماندگی نسبت به دیگران شود که تعارض بین فرهنگ و شبکه‌های اجتماعی این مسئله را تشدید می‌کند.

آخرین و چهارمین مضمون اصلی به شبکه‌های اجتماعی به‌مثابه پناهگاه عاطفی و هویتی می‌پردازد، در تبیین این بخش از یافته‌ها می‌توان گفت که استقلال‌جویی از نیازهای اساسی نوجوانان می‌باشد و آنان دائماً در پی آن هستند که انتخابگر باشند تا بتوانند به راحتی خود را در جایگاه آزمایش قرار دهند و ابراز وجود کنند، شبکه‌های اجتماعی به‌طور ظاهری این خواسته نوجوانان را برآورده می‌کنند؛ به گواه نوجوانان در این فضا صمیمیت کسب می‌شود لیکن این صمیمیت اصالت ندارد؛ زیرا آنان دچار این خطای بنیادین می‌شود که صمیمیت یعنی تجربه مطلوب دیدن و دیده شدن بدون ترس از قضاوت، نوجوانان در این دوره گمان می‌کنند که دو فرد صمیمی با یکدیگر هرگز راجع به خطاهای یکدیگر سخن یا قضاوتی نمی‌کنند، در صورتی که یک‌جانبه قضاوت می‌کنند و صمیمیت یعنی حضور که در این موقعیت کم‌وکاستی‌هایی هم می‌تواند وجود داشته باشد؛ زیرا حضور یعنی موجودیت مستقل ما در امتزاج با دیگری بدون کم‌وکاستی‌های وجودی و شخصیتی‌مان که در شبکه‌های اجتماعی این حضور عاریه‌ای و موقعیتی است و صمیمیتی تصنعی و هرچند اصیل برای نوجوانان باقی می‌گذارد، همچنین نوجوانان در این فضا می‌توانند فضای

18. Jarman & et al

19. Sabatini & Sarracino

تعدیل بخشی در هویت را تجربه کنند که تا حدی می‌تواند وی را برای زندگی اجتماعی در دوران تحولی بعدی آماده نگه دارد و در این دوره علاوه بر اهمیت بخشی به کانون خانواده در پی اهمیت دادن به بافت دیگری یعنی فضای مجازی هستند و همین مؤلفه مقدمه‌ای برای هویت بخشی آنان از این فضا می‌شود؛ در مجموع نوجوانان فضای مجازی را پناهگاهی در برابر کاستی‌های بیرونی در نظر می‌گیرند که می‌توانند برای در امان ماندن به آن متوسل شوند؛ این دنیای فانتزی اگرچه در کوتاه مدت در سلامت روانشناختی وی نقش ایفا می‌کند ولی در بلند مدت همه این مولفه‌های می‌تواند اثرعکس داشته باشد و فضای تعارض آمیزی را بین فرهنگ خانواده و شبکه‌های اجتماعی شکل می‌گیرد که ثمره‌ای به جزء متلاشی کردن هویت آنان ندارد؛ نسی و پرینستین^{۲۰} (۲۰۱۵) و فریسون و اگرمونت^{۲۱} (۲۰۱۶) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که نوجوانان از شبکه‌های اجتماعی برای جبران کمبود حمایت عاطفی واقعی و جست‌وجوی تأیید هویتی استفاده می‌کنند و کسانی که احساس تنهایی یا عدم تأیید در خانواده داشتند، بیشتر به شبکه‌های اجتماعی متوسل شدند تا حمایت و اعتبار شخصی دریافت کنند. همچنین نوجوانان از این فضا به‌عنوان پناهگاه عاطفی برای احساس تعلق و هویت اجتماعی بهره می‌برند، به‌ویژه وقتی تعاملات واقعی محدود یا ناکافی است، مسعودی‌فر و همکاران (۱۳۹۸) دریافتند که استفاده از شبکه‌های اجتماعی فرصتی برای تحکیم روابط در شبکه‌ای از دوستی‌های نزدیک و خانوادگی ایجاد می‌کند و حمایت عاطفی فراهم می‌آورد که با پژوهش حاضر همسوست.

اگرچه یافته‌های این پژوهش ابعاد تازه‌ای از تجربه زیسته نوجوانان در زمینه تعارض هویتی میان فرهنگ خانواده و شبکه‌های اجتماعی را آشکار ساخت؛ اما لازم است محدودیت‌های مطالعه نیز در نظر گرفته شود. نخست، پژوهش حاضر در شهر قزوین و با مشارکت ۱۵ نوجوان انجام شد. با توجه به حساسیت موضوع و حضور والدین در زندگی روزمره مشارکت‌کنندگان، احتمال دارد بخشی از روایت‌ها تحت‌تأثیر ملاحظات اخلاقی یا ترس از قضاوت ارائه شده باشد و به‌طورکامل بازتاب‌دهنده تجربه درونی آنان نباشد. درنهایت، رویکرد پدیدارشناسی امکان دسترسی عمیق به معناسازی نوجوانان را فراهم کرد؛ اما ماهیت کیفی پژوهش اجازه سنجش روابط علی یا مقایسه آماری را نمی‌دهد. با توجه به محدودیت‌های یادشده، چند مسیر برای پژوهش‌های آینده پیشنهاد می‌شود.

20. Nesi & Prinstein

21. Frison & Eggermont

نخست، انجام مطالعات مشابه در سایر شهرها و بافت‌های فرهنگی ایران می‌تواند به درک جامع‌تر از تفاوت‌های منطقه‌ای و اجتماعی در تجربه تعارض هویتی میان خانواده و شبکه‌های اجتماعی کمک کند. همچنین پیشنهاد می‌شود نمونه‌های پژوهشی گسترده‌تر و متنوع‌تر، شامل نوجوانانی با الگوهای استفاده متفاوت از شبکه‌های اجتماعی (اعم از استفاده مثبت، خنثی یا حداقلی)، مورد بررسی قرار گیرند تا طیف کامل‌تری از تجربه‌های هویتی آشکار شود. پیشنهاد می‌شود تحلیل‌های میان‌فرهنگی با سایر جوامع در حال‌گذار انجام گیرد تا شباهت‌ها و تفاوت‌ها در نحوه مواجهه نوجوانان با شکاف میان ارزش‌های سنتی و منطق شبکه‌های اجتماعی روشن شود. در نهایت، طراحی و ارزیابی مداخلات آموزشی یا مشاوره‌ای مبتنی بر نتایج این پژوهش می‌تواند گام مهمی در کاهش شکاف نسلی و تقویت هویت مثبت نوجوانان در بستر خانواده و شبکه‌های اجتماعی به‌شمار آید.

منابع

- باقری شیخانگفته، فرزین؛ صالحی رج؛ مهرانز، و فراهانی، حجت‌الله (۱۴۰۳). روایی و پایایی نسخه فارسی مقیاس اختلال رسانه‌های اجتماعی در دانشجویان ایرانی. *مطالعات رسانه‌های نوین*، ۱۰(۳۷)، ۲۲۹-۱۹۳. 10.22054/nms.2024.69601.1448
- عباسی شوازی، محمدتقی و عباسی آتشگاه، پروین (۱۳۹۷). اینترنت، خانواده شبکه‌ای و زمان خانواده؛ تأثیر تکنولوژی‌های نوین ارتباطی بر روابط خانوادگی. *مطالعات رسانه‌های نوین*، ۴(۱۴)، ۳۳-۶۵.
- غضنفری، احمد (۱۳۸۳). اعتباریابی و هنجاریابی پرسش‌نامه سبک هویت (ISI-6G). *مطالعات تربیتی و روان‌شناسی*، ۵(۱)، ۸۱-۹۴. <https://sid.ir/paper/99378/fa>
- مسعودی‌فر، رضا، شالچی، بهزاد، و کلاهی حامد، صبا (۱۳۹۸). تجربه روابط آنلاین از دیدگاه دختران نوجوان: مطالعه کیفی در آسیب‌شناسی روابط سایبری. *خانواده و پژوهش*، ۱۶ (پیاپی ۴۲)، ۶۹-۸۱.
- Arbabi, K., Yeh, C. J., & Sangkar, P. R. (2025). Exploring the Lived Experiences of Iranian Adolescents Exhibiting Suicidal Behavior and Ideation. *Research on Child and Adolescent Psychopathology*, 53(6), 891-904. <https://doi.org/10.1007/s10802-025-01295-0>
- Alizadeh, A., Mahmoodi, F., Adib, Y., & Imada, T. (2024). Dominant Culture in Iran's Primary School Textbooks: A Comparison Between Individualism and Collectivism. *Iranian Journal of Comparative Education*, 7(1), 2895-2916.

- <https://doi.org/10.22034/ijce.2023.406204.1508>
- Avci, H., Baams, L., & Kretschmer, T. (2025). A systematic review of social media use and adolescent identity development. *Adolescent Research Review*, 10, 219–236. <https://doi.org/10.1007/s40894-024-00251-1>
- Berzonsky, M. D. (1989). Identity style: Conceptualization and measurement. *Journal of adolescent research*, 4(3), 268-282. <https://doi.org/10.1177/074355488943002>
- Braun, V. & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative research in psychology*, 3(2), 77-101. <http://dx.doi.org/10.1191/1478088706qp063oa>
- Crocetti, E., & Shokri, O. (2010). Iranian validation of the identity style inventory. *International Journal of Testing*, 10(2), 185-199. <https://doi.org/10.1080/15305050903534696>
- Chen, Y., et al. (2025). A chain mediation model reveals the association between parental mediation and adolescents' smartphone addiction. *Scientific Reports*, 15, Article 8769. <https://doi.org/10.1038/s41598-025-00876-9>
- Dorčić, T. M., Smojver-Ažić, S., Božić, I., & Malkoč, I. (2023). Effects of social media social comparisons and identity processes on body image satisfaction in late adolescence. *Europe's Journal of Psychology*, 19(2), 220. <https://doi.org/10.5964/ejop.9885>
- Erstad, O., Hegna, K., Livingstone, S., Negru-Subtirica, O., & Stoilova, M. (2024). How digital technologies become embedded in family life across generations: scoping the agenda for researching 'platformised relationality'. *Families, Relationships and Societies*, 13(2), 164-180. <https://doi.org/10.1332/20467435Y2024D000000023>
- Frison, E., & Eggermont, S. (2016). Exploring the relationships between different types of Facebook use, perceived online social support, and adolescents' depressed mood. *Social Science Computer Review*, 34(2), 153–171. <https://doi.org/10.1177/0894439314567449>
- Fallahi, F., Anoosheh, M., Foroughan, M., Vanaki, Z., & Kazemnejad, A. (2022). Raising Adolescent Children as a Developmental Task of Iranian Middle-aged Mothers: A Qualitative Study. *International Journal of Community Based Nursing and Midwifery*, 10(2), 120. <https://doi.org/10.30476/IJCBNM.2021.90710.1726>
- Haydon, C. G., Hill, B. J., Ward, P. J., & Eggett, D. L. (2023). Identity development and its relationship to family history knowledge among late adolescents. *Genealogy*, 7(1), 13. <https://doi.org/10.3390/genealogy7010013>
- Hjetland, G. J., Finserås, T. R., Sivertsen, B., Colman, I., Hella, R. T., & Skogen, J. C. (2022). Focus on self-presentation on social media across sociodemographic variables, lifestyles, and personalities: A cross-sectional study. *International journal of environmental research and public health*, 19(17), 11133. <https://doi.org/10.3390/ijerph191711133>
- Hernandez, J. M., Ben-Joseph, E. P., Reich, S., & Charmaraman, L. (2024). Parental monitoring of early adolescent social technology use in the US: a mixed-method study. *Journal of Child and Family Studies*, 33(3), 759-776. <https://doi.org/10.1007/s10826-023-02734-6>
- Guba, E.G. & Lincoln, Y. S. (1989). *Fourth Generation Evaluation*. Newbury park, CA: Sage. <https://b2n.ir/rz9625>

- Jarman, H. K., Marques, M. D., McLean, S. A., Slater, A., & Paxton, S. J. (2021). Social media, body satisfaction and well-being among adolescents: A mediation model of appearance-ideal internalization and comparison. *Body image, 36*, 139–148. <https://doi.org/10.1016/j.bodyim.2020.11.005>
- Keles-Gordesli, B., Leamy, M., Murrells, T., & Grealish, A. (2025). Correction: Moderating effect of cultural differences on the association between social media use and mental health outcomes in adolescents: A cross-cultural comparison study. *PLoS one, 20*(8), e0330649. <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0330649>
- Khuhro, R., Memon, B., & Wahid, R. (2021). Social media causing communication gap: a study of middle-class families in latifabad, hyderabad, pakistan. *Progressive Research Journal of Arts & Humanities (Prjah), 2*(1), 53-66. <http://dx.doi.org/10.51872/prjah.vol2.Iss1.23>
- Lahti, H., Kokkonen, M., Hietajärvi, L., Lyyra, N., & Paakkari, L. (2024). Social media threats and health among adolescents: evidence from the health behaviour in school-aged children study. *Child and adolescent psychiatry and mental health, 18*(1), 62. <https://doi.org/10.1186/s13034-024-00754-8>
- Marcia, J. E. (1966). Development and validation of ego-identity status. *Journal of Personality and Social Psychology, 3*, 551–558. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/h0023281>
- Meier, A., & Johnson, B. K. (2022). Social comparison and envy on social media: A critical review. *Current opinion in psychology, 45*, 101302. <https://doi.org/10.1016/j.copsyc.2022.101302>
- Modecki, K. L., Goldberg, R. E., Wisniewski, P., & Orben, A. (2022). What is digital parenting? A systematic review of past measurement and blueprint for the future. *Perspectives on Psychological Science, 17*(6), 1673-1691. <https://doi.org/10.1177/17456916211072458>
- Nesi, J., & Prinstein, M. J. (2015). Using Social Media for Social Comparison and Feedback-Seeking: Gender and Popularity Moderate Associations with Depressive Symptoms. *Journal of abnormal child psychology, 43*(8), 1427–1438. <https://doi.org/10.1007/s10802-015-0020-0>
- Pérez-Torres, V. (2024). Social media: A digital social mirror for identity development during adolescence. *Current Psychology*. <https://doi.org/10.1007/s12144-024-05980-z>
- Sabatini, F., & Sarracino, F. (2015). Keeping up with the e-Joneses: Do online social networks raise social comparisons?. arXiv preprint arXiv:1507.08863. <https://doi.org/10.48550/arXiv.1507.08863>
- Shah, R., Chauhan, N., Gupta, A. K., & Sen, M. S. (2016). Adolescent-parent conflict in the age of social media: Case reports from India. *Asian journal of psychiatry, 23*, 24–26. <https://doi.org/10.1016/j.ajp.2016.07.002>
- Soh, S., Talafar, S., & Harari, G. M. (2024). Identity development in the digital context. *Social and Personality Psychology Compass, 18*(2), e12940. <https://doi.org/10.1111/spc3.12940>
- Voggenreiter, A., Brandt, S., Putterer, F., Frings, A., & Pfeffer, J. (2024). The Role of Likes: How Online Feedback Impacts Users' Mental Health. In *Proceedings of the 16th ACM Web Science Conference* (pp. 302-310).

<https://doi.org/10.1145/3614419.3643995>

Wang, Y., & Wang, S. (2024). Short-video applications use and self-concept clarity among adolescents: The mediating roles of flow and social media self-expansion. *Acta Psychologica*, 249, 104469. <https://doi.org/10.1016/j.actpsy.2024.104469>

West, M., Rice, S., & Vella-Brodrick, D. (2024). Adolescent social media use through a Self-Determination theory lens: A systematic scoping review. *International journal of environmental research and public health*, 21(7), 862. <https://doi.org/10.3390/ijerph21070862>